

[illegible][illegible]

الروضة البهيّة

في الإجازة الشفيعيّة

الروضة البهيّة في الإجازة الشفيعيّة. سيّد محمد شفيع موسوی جابلقی بروجردی
م. ۱۲۸۰. تحقیق: سیّد جعفر حسینی اشکوری. مؤسسه کتابشناسی شیعه. ۱۳۹۲

ژرفنامه
اجازات

مقدمه

به برکت انقلاب اسلامی و تلاش و کوشش جمعی از اندیشه‌وران حوزه و دانشگاه، بسیاری از میراث تشیع از پس پرده‌های غفلت و کنج قفسه‌های خاک خورده کتابخانه‌ها بیرون آمده و به زیور طبع آراسته شده است. اما هنوز در آغاز راهی پس سترگ و طولانی هستیم و آثار فراوانی از علما و بزرگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مخطوط و مغلوط مانده است و همت پژوهشگران با انگیزه و مشتاق به فرهنگ و هویت اسلام را می‌طلبند. بخصوص آثار علما و بزرگانی که مجاهدت کرده و از مراکز اصلی حوزه علمیه به مناطق مختلف عالم رهسپار شده‌اند و فرهنگ و معارف ناب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را منتشر کرده‌اند. از جمله مناطقی که بررسی علما و بزرگان آن مغفول واقع شده و آثار ارزشمند آنان در تاریک خانه تاریخ

قرار گرفته است منطقه وسیع و عالم خیز «جابلق» است.

بحمدالله پس از سالیان دراز چشم انتظاری، به همت مؤسسه کتابشناسی شیعه (مؤسسه تراث الشیعة) به مدیریت توانمند و دغدغه‌مند جناب حجة الاسلام والمسلمین شیخ رضا مختاری، دومین کتاب از علمای منطقه جابلق تحقیق، تصحیح و چاپ شده و در اختیار همگان قرار گرفته است. کتاب شریف روضة البهیة فی الإجازة الشفيعية اثر مرحوم علامه آية الله حاج سید محمد شفيع جابلقی (م. ۱۲۸۰) که اجازه نامه کبیر ایشان به فرزندانش و شرح احوال برخی معاصران و شاگردان

۱. پیش از این کتاب ارزشمند طوائف المقال اثر آية الله سید علی اصغر جابلقی تحت اشرف حضرت آية الله مرعشی نجفی و تصحیح جناب حجة الاسلام والمسلمین سید مهدی رجایی در دو جلد در سال ۱۳۶۱ ش منتشر شده است.



الروضة البهيّة في الإجازة الشفيعيّة

تأليف:
السيد محمد شفيع الموسوي
(الاجازات الروضيات - م. ۱۲۸۰)

تدقيق:
السيد جعفر حسيني اشكوري

موسسة تراث الشيعية

وی است و به سعی بلیغ جناب حجة الاسلام آقای سید جعفر حسینی اشکوری به شکل مطلوبی تصحیح شده است.

بر همین اساس، این نوشتار ابتدا در پی عرض ادب و ارادت و دعای خیر برای همه افرادی است که این کار ارزشمند را از آغاز به سرانجام رساندند، چرا که در این زمانه، ارزش کارهایی این چنین مهم و مشکل و البته کم مشتری، کاری جهادی و پرهزحمّت است؛ لذا باید از مصحح محترم و ناشر گرامی تقدیر و تشکر ویژه کرد. راقم این سطور به پاس گرامی داشت این کتاب ارزشمند و مؤلف ذوفنون و مجهول القدر آن و مصحح و ناشر محترم از فرصت استفاده می‌کند تا به برخی نکات در مورد مؤلف و کتاب و احیاناً برخی مطالب قابل ذکر در حاشیه تصحیح موجود، اشاره‌ای کند.^۱

۲. از جناب آقای محسن صادقی که پیشنهاد نگارش این نوشتار را به حقیر داده‌اند نیز تشکر می‌کنم.

نگاهی اجمالی به تحقیق و تصحیح کتاب

کتاب الروضة البهیة فی الإجازة الشفیعة اِجازة نامه کبیری است که مرحوم جابلقی به فرزندان خود در سال ۱۲۷۸ است. مؤلف در این کتاب مشایخ و طرق روایت خود را بیان می‌کند. دوسال پس از نوشتن اِجازة نامه، مؤلف رحلت می‌کند و به دستور فرزند ارشد ایشان آیة‌الله سید علی اکبر جابلقی این کتاب به همراه کتاب قواعد الشریفة در سال ۱۲۸۰ به خط محدعلی بن محمدرضا خوانساری چاپ سنگی شده. و دیگر چاپی از آن صورت نگرفته است. تا اینکه در سالهای اخیر جناب حجة الاسلام اشکوری پس از دسترسی به نسخه اصل به خط مؤلف که پیش از آن نزد سید جلال الدین محدث ارومی بوده اقدام به تصحیح کتاب براساس نسخه اصل با مقایسه آن با متن چاپ سنگی و نسخه تصحیح شده لؤلؤة البحرین به تصحیح مرحوم سید محمدصادق آل بحر العلوم می‌کند. به نظر می‌رسد که مصحح گرامی تلاش وافر و سعی بلیغی کرده‌اند تا اثری محکم و کم غلط ارائه دهند و بحق می‌توان گفت ایشان به خوبی از عهده کار برآمده‌اند. بخصوص حواشی و ارجاعات فراوان به سایر کتب رجالی و تراجمی. نشان از حسن سلیقه و تتبع فراوان وی دارد.

برخی از ویژگی‌های این چاپ عبارتند از:

۱. این کتاب دارای مقدمه‌ای در شرح

احوال مؤلف به قلم علامه سید احمد اشکوری (برگرفته از کتاب المفضل فی تراجم الأعلام) است.

۲. همچنین دارای تعلیقات ادبی جناب علامه سید عبدالستار الحسینی و دقت‌های سید محمدرضا جلالی است.

۳. کتاب دارای ارجاعات فراوان به سایر کتب رجالی و تراجم اسلامی است.

۴. اختلاف نسخه‌ها در ضبط کلمات و نیز صورت صحیح لغات به لحاظ ادبی در پانویست آمده است. نیز به تصحیفات و تحریفاتی که احیاناً به نسخه اصلی مؤلف و یا نسخه چاپی راه یافته‌اند تذکر داده شده است.

۵. سعی شده اسناد روایاتی که در متن آمده در منابع معتبر یافته و ذکر شود. در صورتی که سندی یافت نشده نیز اشاره شده است.

۶. در این چاپ، فصل بندی مناسب و شماره‌گذاری مسلسل خوبی برای تمامی مترجمین صورت گرفته است که به عدد ۲۲۲ می‌رسد که در نوع خود کاری جالب و موجب دسترسی آسان به مطالب و نگاه اجمالی به مطالب کتاب می‌شود. اما نمی‌دانم به چه دلیل مصحح محترم سید علی اکبر و سید علی اصغر را در شماره‌گذاری وارد نکردند.

۷. همچنین از دیگر ویژگی‌های کتاب حاضر، فهرست‌های فنی مختلف همچون فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اشعار، فهرست اعلام، فهرست اماکن و

بلدان، فهرست اسماء المترجمین، مصادر تحقیق و فهرست کامل مطالب کتاب است.

جغرافیای تاریخی جابلقی و امامزاده قاسم

مرحوم علامه سید محمد شفیع پرورش یافته روستای امامزاده قاسم جابلقی است. روستایی که اجداد سید از حدود قرن پنجم یا ششم هجری در آنجا ساکن بوده‌اند. اولین شخصیتی که از خاندان سید به منطقه جابلقی آمده سید نظام الدین احمد مدنی است که در مقبره امامزادگان زید و قاسم مدفون است و دارای مقبره تاریخی به صورت صندوق است. و براساس وقف نامه امامزاده قاسم جابلقی مربوط به سال ۵۹۸ ساخت حرم امامزاده به سید احمد مدنی ملقب به میر نظام الدین نسبت داده شده است.^۳ اما جناب اشکوری، سید نظام الدین را مدفون در بقعه امامزاده قاسم برورجد که دارای مزار معروف است می‌داند که خطایی آشکار است.^۴ این خطا از آنجا ناشی می‌شود که همواره به اشتباه جابلقی را روستایی از روستاهای شهر برورجد معرفی می‌کنند. در حالی که منطقه بزرگ و وسیع جابلقی شهر یا منطقه‌ای از برورجد نبوده است بلکه خود منطقه‌ای وسیع و مستقل و شامل بیش از ۱۰۰ روستا و قریه است و در دوره‌های مختلف تاریخی، تحت نظارت

۳. سید مهدی موسوی، برآستان خوبان، قم: منشوروی، ۱۳۸۹، ص ۸۰ و ۲۰۹ و رونوشت اسناد وقف نامه در همان، ص ۶۱۷ - ۶۱۸.

۴. رک: جابلقی، روضة البهیة، ص ۸.

و در جای دیگری نویسد:

جابلق نیز رستاقی است از اصفهان که نامی در تاریخ دارد. جنگ میان قطبیه و داود بن عمر بن هبیره جهت جنگ ابی عبدالله ابن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب در این منطقه رخ داد.^۴

یا قوت حموی با ذکر جابلق در ردیف روستاهای اصفهان می‌نویسد:

و جابلق ایضاً رستاق با صبهان. له ذکر فی التواریخ فی حرب کانت بین قطبیه و داود بن عمر بن هبیره لقتال عبدالله بن معاویه بن جعفر بن ابی طالب. و کان قد غلب علی فارس فتفاه منها و غلب علی فارس و اصفهان حتی قدم قطبیه بن شیبی فی جیش من اهل خراسان فاقتتلوا. و قتل عامر بن ضبارة لسیع بقین من رجب سنه ۱۳۱ فی جابلق من رستاق اصفهان.

و پس از آنکه قم از اصفهان به درخواست حمزه بن الیسع ابن عبدالله اشعری از هارون الرشید جدا شد منطقه جابلق و برقرود از اصفهان جدا شده و جمعی از عربها به این سرزمین مهاجرت می‌کنند. در همین مورد در تاریخ قم به نقل از تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی آمده است:

عنه به رستاق جابلق و برقرود فرود آمدند و در آنجا از عجم گشتند.

خاکرند. تهران. موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل. ۱۳۷۱. ص ۲۵.

۷. ابن خرداد به. مسالك و ممالك. ترجمه سعید خاکرند. تهران. موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل. ۱۳۷۱. ص ۵۶.

ولایات متعددی بوده است. علامه آیه الله حاج سید علی اصغر جابلقی در طرائف المقال می‌نویسد:

الجابلق رستاق متصل بالعراق و منفصل عن البروجرد بمرحلة و کذا عن جربادقان. و هو احد موطننا الآن و موطن والدي طاب ثراه.^۵

جابلق یا جابلق به کسر باء و فتح لام معرب شده نام پهلوی «گاپله» است که هنوز در میان منطقه رواج دارد. در کتب تاریخی و جغرافیایی این منطقه همواره با منطقه دیگری به نام «برقرود» یا «بربرود» ذکر می‌شود که از قبل از اسلام جزو قصبات اصفهان بوده است. «ابن خرداد به» در کتاب مسالك و ممالك (تألیف بین سال‌های ۲۳ تا ۲۳۴) نوشته است:

ذكر رستاق اصبهان: رستاق مازین: وفيه قلعة بناها طهمورث فيها بيت نار. رستاق کروان. رستاق بُرخوار. رستاق آوان. رستاق أنار. رستاق الإیران. رستاق الباذ. رستاق قهستان. رستاق القمندان. رستاق بران. رستاق الروذ. رستاق رویدشت وفيه يغیض زرنر و ذویخج. بکرمان و بینهما تسعون فرسخاً. رستاق آروند. رستاق أردستان. رستاق سردقاسان. رستاق جرّم قاسان. رستاق قم. رستاق ساوة. رستاق تیمرة الصغری. رستاق تیمرة الکبری. رستاق قایق. رستاق جابلق. رستاق برق الروذ. رستاق وراقان. رستاق فریذین. رستاق وردة.^۶

۵. علامه سید علی اصغر جابلقی. طرائف المقال. ج ۱. ص ۸۸.
۶. ابن خرداد به. مسالك و ممالك. ترجمه سعید

و طایفه خالد برق^۸ از شیعیان راستین اهلبیت علیهم السلام بر اساس ظلم و ستمهای فراوان خلفای عباسی مجبور به ترك عراق می‌شوند و به جبال ایران. روستای برقرود ساکن می‌شوند.

تا آنکه در زمان ابو عبدالله محمد بن ابی جعفر منصور. شهر کرج به دست عیسی بن ادریس بن معقل بن عمر بن خدای العجلی ساخته شد پس از او توسط فرزندش ابودلف القاسم بن عیسی العجلی وسیعتر شد و به شهر تبدیل شد و جابلق و برقرود را جزء آن ساخت و به آن «ایغارین» یعنی کرج و برج اطلاق می‌کردند و تیمرترین را نیز به آن الحاق نمود و در تحت حاکمیت اصفهان شهر را اداره می‌کرد اما پس از مدتی مستقل شد و در سال ۲۸۲ عمر بن عبدالعزیز العجلی حاکم کل منطقه اصفهان و نهاوند و ایغارین (کرج و برج) شد.^۹ یعقوبی می‌گوید: در سال ۲۸ میان کرج و قم اختلاف بر سر آب و زمین پیدا شد تیمره ضمیمه حوزه حکمرانی آل عجل شد. خلیفه دستور داد شهر کرج مستقل و مرکز حکومت آل عجل گردد و چهار کوره جابلق. برقرود (بربرود) و فائقین علیا و سفلی از حکومت اصفهان مجزا و ضمیمه کرج و تحت حکومت آل عجل قرار گیرد. از

۸. وی خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برق است. نجاشی با یاد از نام وی می‌نویسد: آنها در اصل کوفی اند. جد وی. محمد بن علی. پس از شهادت زید بن علی. توسط یوسف بن عمر زندانی شد و سپس به قتل رسید. خالد که کوچک بود. همراه پدرش عبدالرحمن به برق رود گریخت.

۹. ابراهیم دهگان. تاریخ اراک. ج ۱. ص ۱۱۹.

قربابت نسبی سید محمد شفیع با میرزای قمی	زندرواست و در مراتب لطف مقال وحسن جمال اگر دعوی یوسفی کند بجاست در سال ترتیب این خجسته گلشن [۱۳۳۶ ق] حسب الانشاء پادشاه انجمن حشر و خسرو سیاره خدم به شعل حکمرانی جاپلق و برپرود که من محال برورجد است مأمورو به سرداری مشهور است. پسر فتح ابوالفتح میرزا که سپهر آبد ززادن امثال او شده است عقیم در جاپلق قلعه [و باغی] مسی به فتح آباد آبادان فرموده اند که قریب به اتمام است."	آن به بعد تا پس از حمله مغول این منطقه جزء عراق عجم محسوب می شد و پس از حمله مغول و اسقرار حکومت صفویه، بار دیگر جاپلق و برپرود جزو نواحی اصفهان می شوند و تا دوره فتحعلی شاه قاجار این روند ادامه دارد.
یکی از مطالب بسیار مهم در زندگی و حیات سید محمد شفیع جاپلقی قربات فامیلی و نسبی ایشان با میرزای قمی است که سید شفیع بارها از آن یاد کرده و همواره از میرزا الگو گرفته است. مطلبی که جناب آقای اشکوری به آن نپرداخته اند. مادر سید محمد شفیع دختر عموی مادر میرزای قمی بوده است به این صورت که مادر سید شفیع دختر عالم بزرگ جاپلق میرزا حبیب الله بوده است و مادر میرزای قمی نیز دختر عالم بزرگ جاپلق میرزا هدایه الله برادر میرزا حبیب الله بوده است. سید محمد شفیع به جهت این قربات همواره خدمت میرزای قمی می رسیده و مورد ملاطفت و محبت میرزا قرار می گرفته است. "بی شک همین ملاطفت و محبت، یکی از عوامل جذب وی به آموختن درس حوزوی و پشت کار در تحصیل و تهذیب بوده است. و در میان خاندان سید متواتر است که تولیت امام زاده قاسم جاپلق را میرزای قمی به سید محمد شفیع داده است."	تا آنکه در زمان پهلوی اول جاپلق و برپرود تحت محوریت شهر الیگودرز در مدتی زیر نظر خرم آباد و مدتی گلپایگان محسوب می شود تا آنکه در سال ۱۳۳۷ الیگودرز با سه منطقه جاپلق، برپرود و ذلقی و زروماهر و به شهرستانی در استان لرستان تبدیل می شود. اما به علت برخی مسائل سیاسی و اختلافات داخلی، جاپلق به چند قسمت تقسیم می شود بخشی از آن از الیگودرز جدا شده و جزء قلمرو خمین می شود. بخشی از آن تحت نام شهر ازنا مستقل می شود و بخشی نیز همچنان جزء شهر الیگودرز باقی می ماند. بنابراین جاپلق هیچ گاه روستا و یا بخشی از برپرود نبوده بلکه تنها در مدتی حدود صد سال به لحاظ سیاسی زیر نظر برپرود بوده است.	پس از آنکه فتح علی شاه قاجار به حکومت می رسد و وی به علت داشتن فرزندان زیاد مجبور می شود که جغرافیای ایران را به هم زند تا برای همه فرزندان محل برای حکومت بیايد. لذا منطقه برپرود، سیلاخور، جاپلق و برپرود را در حکم یک ولایت قرار می دهد و محمد تقی میرزا معروف به حسام السلطنه را حاکم آن می کند. محمد جعفر بن حسین نائینی در جامع جعفری در دوران فتحعلی شاه آورده است:
جایگاه حوزه علمیه برپرود و نقش سید	۱۱. محمود میرزا قاجار، گلشن محمود، به کوشش میرهاشم محدث، در: گنجینه بهارستان ج ۲، به کوشش سید سعید میر محمد صادق، ص ۱۱۲.	«برپرود و سیلاخور و جاپلاق و طوایف بختیاری از آن محمد تقی میرزا [حسام السلطنه] گشت»^{۱۰} و فرزند ارشد حسام السلطنه به نام فتح الله میرزا نایب الحکومه جاپلق و برپرود می شود. محمود میرزا قاجار در کتاب گلشن محمود (تألیف سال ۱۲۳۶ هـ ق) می نویسد: عدد اولاد ذکورش چون سبعة سیاره هفت است. ارشد اولادش مهین سلاله دودمان شوکت و سروری ابوالفتح میرزا است که در مراتب نکته سنجی اگر در عالم نوبت پنج ۱۰. محمد جعفر بن حسین نائینی، تاریخ جعفری، ص ۹۸.

و ورود فرزندان وی همچون اورنگ زیب میرزا در سلک طلاب علوم دینی بستر مناسبی برای رشد و توسعه حوزه علمیه بزرگی در غرب کشور به وجود آمد. همین امر باعث شد که در یک دوره بلند مدت حوزه علمیه بروجرد یکی از ارکان مهم در عالم تشیع شود و عالمان و مراجع بزرگی مدت کوتاه یا بلندی را در حوزه بروجرد تحصیل کنند: از جمله افراد شاخصی چون: شیخ انصاری، شیخ العراقین، میرزا حسن آشتیانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی، پس بدون شک حوزه علمیه بروجرد در سده سیزدهم هجری یکی از مراکز مهم در تاریخ تشیع و تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه است. بخصوص با وجود اساتید بزرگ و ذوفنون چون ملا اسدالله بروجردی (مرجع و فقیه)، علامه سید جعفر کشفی (فلیسوف، عارف و مفسر قرآن کریم)، میرزا محمود طباطبائی بروجردی و سید محمد شفیع جابلقی طلاب علوم دینی از تنوع رشته ای و تخصصی برخوردار گشته و توانستند در علوم مختلف اسلامی نزد عالمان بزرگی تحصیل کنند. اما این مقطع مهم از تاریخ و هویت تشیع مغفول واقع شده است. لذا ضروری است که تربیت شنگان و آثار این دوره مهم بازخوانی شوند و نقش آنها و تولیدات محتوایی آنها در علوم مختلف اسلامی تحلیل و بررسی شود. کتاب روضه البهیة مرحوم جابلقی یکی از منابع مهم و غنی برای این مهم است.^{۱۳}

۱۳. البیته کتاب طرائف المقال اثر آیه الله سید

و بدون تردید یکی از ارکان مهم و اصلی حوزه علمیه بروجرد مرحوم علامه سید محمد شفیع جابلقی است؛ زیرا او بود که توانست علم اصول فقه را در این حوزه رونق بخشد و شاگردان بزرگی را در اصول و فقه تربیت کند که برخی از آنها همچون میرزا حسن آشتیانی پس از هجرت به حوزه نجف و درس شیخ انصاری همچون ستاره ای بدرخشیدند. لذا در منطقه بروجرد و جابلقی از ایشان به «سید اصولی» یاد می شود. اما متأسفانه آثار اصولی و فقهی این فقیه اصولی به فراموشی سپرده شده است و می بایست کتاب شریف قواعد الشریفه ایشان و برخی تقریرات درسی وی تصحیح و منتشر شود تا برخی از نوآوری های وی در اصول و فقه شناخته گردد و جایگاه ایشان در تاریخ تشیع مکشوف شود.

شیوخ اجازه سید

جناب آقای اشکوری براساس کتاب روضه البهیة بیان می کنند که پنج نفر به سید محمد شفیع اجازه داده اند در حالی که با دقت در متن روضه روشن می شود که سید فقط به دو طریق اشاره دارد. ابتدا طریقی از سید محمد باقر شفتی^{۱۴} و دیگر از طریق ملا علی اکبر خوانساری اصفهانی

علی اصغر جابلقی و کتاب ارزشمند تاریخ بروجرد در دو جلد اثر حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مولانا نیز منبع قابل توجه و ارزشمندی برای این تحقیق است.

۱۵. جابلقی، روضه البهیة، ص ۴۲.

است.^{۱۵} اما از شخص دیگری که به او اجازه روایت داده باشد نامی نمی برد. ولی جناب اشکوری میرزای قمی، سید علی طباطبائی و شیخ جعفر کاشف الغطاء را از شیوخ او ذکر می کند^{۱۶} در حالی که این سه عالم بزرگ از شیوخ مرحوم سید شفتی هستند و سید شفیع به واسطه سید شفتی از آنها روایت می کند. و جالب این است که سید خود به عدم استفاده علمی از این سه نفر تصریح دارد. اومی نویسد:

و کنت فی زمان حیاتهم مشغولاً بتحصول العلوم الأدبیة و المتون الفقہیة و الاصولیة کالمعالم و التهذیب. و لم أصل خدمة الشیخ المذكور [کاشف الغطاء] و سید الاساتید [طباطبائی] و فزت بخدمة المحقق الجیلانی فی بلدة قد کثیراً و فی بلدنا جابلقا لا اثنی لیست قابلاً للاستفادة منه. و هؤلاء المشایخ أعنی: الاقا المیر سید علی سید الاساتید و المحقق الجیلانی و الشیخ المحقق الشیخ جعفر آجازا و للسید المتقدم [سید محمد باقر شفتی] فهو بیرونی عنهم إجازة.^{۱۷}

این مسأله همچنین درباره اساتید سید محمد شفیع تکرار می شود. به طوری که آقای اشکوری به تبع برخی صاحبان تراجم به شاگردی سید نزد حاج ملا علی نوری فیلسوف معروف و علامه سید محمد مهدی بحر العلوم نجفی اشاره

۱۶. جابلقی، روضه البهیة، ص ۸۴.

۱۷. جابلقی، روضه البهیة، ص ۱۳.

۱۸. جابلقی، روضه البهیة، ص ۵۶.

و اصولیون متأخر بیان کرده است و نکات جالب توجهی که از شخصیت علمی و معنوی و قضایای تاریخی زندگی آنان آورده است، این کتاب همچنان از ارزش و قیمت فراوانی برای معرفی هویت و فرهنگ تشیع برخوردار است.	صفحه است که بیش از ۷۰ صفحه آن از انشاءات و مطالب خود سید است که به هیچ وجه در کتاب لؤلؤة البحرين بحرانی نیست. در این ۷۰ صفحه که حدود بیست درصد کل کتاب را شکل می دهد مطالب بسیار مهمی وجود دارد:	می کند. در حالی که هیچ سند معتبری برای این مسأله وجود ندارد با ضافه، سید جابلقی چه در مقدمه کتاب قواعد الشریفه وجه در کتاب روضة البهیة سعی در تحلیل همه اساتیدی داشته که از آنها بهره برده است اما هیچ اشاره ای به شاگردی نزد این دوزرگوار ننموده است.^{۱۰}
روضه البهیة زمینه ساز نگارش طرائف المقال بدون شک باید اعتراف نمود که همین کتاب و آراء آن زمینه نگارش کتاب عظیم القدر و طرائف المقال علامه سید علی اصغر جابلقی فرزند علامه سید محمد شفیع را فراهم کرده است. کتابی که به تعبیر آیه الله مرعشی نجفی بهترین کتاب در طبقات الرجال است و منبع اصلی آیه الله بروجردی در موسوعه رجال ایشان بوده است.^{۱۱} آیه الله مرعشی نجفی درباره این کتاب می نویسد:	۱. بیان مقدمه ای عالمانه در فضیلت علم و اجتهاد و بایسته های اجتهاد؛ ۲. بیان احوال فرزندان ارشدش عالمان فاضلان سید علی اکبر و سید علی اصغر^{۱۲}؛ ۳. بیان برخی تألیفات خودش^{۱۳}؛ ۴. معرفی مستقیم ۵۶ نفر از شاگردان، مجازین، همدوره ای ها و اساتید و مشایخ اساتید؛ و ده نفر دیگر در ذیل این افراد^{۱۴}؛ ۵. جرح و تعدیل های سید در آراء محدث بحرانی^{۱۵}؛ ۶. تلخیص کتاب لؤلؤة البحرين. بنابراین نمی توان با استناد به اینکه کتاب روضة البهیة تلخیصی از لؤلؤة البحرين است از اهمیت آن کاست، بلکه با توجه به مطالبی بدیعی که علامه سید محمد شفیع در حفظ سلسله اسناد خود و شاگردان و بیان سلسله اسناد اساتید و شیوخ از علما	مجازین از سید جناب آقای اشکوری در مقدمه کتاب به شش نفر از کسانی که از سید شفیع اجازه دریافت کرده اند اشاره نموده است اما سید در قسمت اخیر کتاب ۱۵ نفر از افرادی را نام می برد که قبل از اجازه نامه روضه، از وی اجازه دریافت کرده اند که اشکوری برخی از آنها حدود ۱۱ نفر - را در مقدمه ذکر نموده است. البته ایشان ملامحمد علی بن محمد کاظم شاهرودی را ذکر کرده اند که در روضه اشاره ای به وی نشده است و آقای اشکوری نیز منبع خود را بیان نفرموده اند.
و قسم من کتب الرجال قد آلف علی طریق طبقات الرجال. ومن أحسن ما وفتت علیه فی هذا المضمارها هو کتاب طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال للعلامة الفقیه الاصولی الرجالی الادیب الآیة المحجة الحاج السید علی اصغر بن العلامة الآیة الحاج السید محمد شفیع الجابلقی قدس سرهما. ۲۷. حجة الاسلام سید مهدی رجایی مصحح کتاب طرائف المقال می گوید آیه الله مرعشی فرمودند: کتاب طرائف المقال منبع اصلی کار رجایی آیه الله بروجردی بوده است.	در حفظ سلسله اسناد خود و شاگردان و بیان سلسله اسناد اساتید و شیوخ از علما ۲۲. جابلقی، روضة البهیة، ص ۲۷-۳۰. ۲۳. جابلقی، روضة البهیة، ص ۳۵-۳۵۱. ۲۴. جابلقی، روضة البهیة، ص ۳. ۲۵. جابلقی، روضة البهیة، ص ۳۱-۱۰۶ و ص ۸۴-۱۳۲ و ص ۳۵-۳۶۳. ۲۶. برای نمونه رک: جابلقی، روضة البهیة، ص ۱۳-۱۳۳ و ص ۱۱۳۷ و ص ۱۱۶ و ص ۳۴۴ و ص ۳۵ و ص ۳۶۸ و ص ۴۲۳.	نواوری های کتاب روضة البهیة کتاب روضه چنان که محققان مختلف نوشته اند به سبک کتاب لؤلؤة البحرين شیخ یوسف بحرانی تدوین شده است و به عبارت بهتر این کتاب تکمله و تلخیصی از کتاب لؤلؤة البحرين است. کتاب روضه در چاپ و تصحیح جدید مجموعاً ۳۴۵ ۱۱. جابلقی، روضة البهیة، ص ۹. ۲۰. جابلقی، روضة البهیة، ص ۴۲. ۲۱. جابلقی، روضة البهیة، ص ۱۲-۱۳.

ولعمري أنه خير ما ألف في الطبقات. قد سعى المؤلف جده واجتهد في ترتيبه و تنسيقه على خیر نط واسلوب. والنسخة الأصلية التي هي بمقتله الشريف موجودة عندنا في المكتبة العامة الموقوفة بقم. و كنت كثير الولوج والشوق في نشره...^{۲۸}

آية الله ابوطالب تجلیل در مورد این کتاب می فرماید:

زمانی که حقیر مشغول نوشتن معجم الثقات بودم کتب رجال را که بررسی می کردم. در میان کتب رجالی به يك کتاب خطی برخورد کردم که تالیفش تمام نبود. یعنی مرتب نوشته نشده بود. معلوم بود این کتاب مقدمه تالیف است. این پیش نویس کتابی بود به نام طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال. مؤلف آن سید علی اکبر [علی اصغر] بن محمد شفیع موسوی است که معاصر با شیخ انصاری (رض) بوده است. این کتاب که با خط بسیار ریز نوشته شده بود. همان طبقات رجال است که کتاب بسیار نفیسی می باشد. همان کاری را که مرحوم علامه بروجردي کرده است. ایشان نیز انجام داده است. با این فرق که ایشان طبقات را از خود شروع کرده و به رسول خدا ﷺ رسانده است. بدین معنا که در طبقه بندی آن طبقه اول خود نویسنده و طبقه دوم استاد

۲۸. السيد علی اصغر المجلبي. طرائف المقال في معرفة طبقات الرواة. تحقيق: سيد مهدي رجائي. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي العامة. ۱۴۱۰ ق. ج ۲. اول.

وی است و تا رسیده به اصحاب رسول ﷺ که طبقه سی ام می شده است. ولی مرحوم آية الله بروجردي به عکس شروع کرده است. طبقه اول اصحاب رسول الله ﷺ به ترتیب آمده تا به شیخ الطایفه رسیده است. از شیخ الطایفه به این طرف هم طبقه. طبقه حساب کرده است. خودش در طبقه سی و دوم واقع می شد. این طبقات فایده اش این است که توسط آن احادیث معلوله را حساب می کردند. هنگامی که سندی را می خواندند. ایشان می فرمود سندی غلط است اگر چه همگی ثقه باشند. اصطلاح ایشان هم «معلول» بود.^{۲۹}

۲۹. مصاحبه با آية الله ابوطالب تجلیل. مجله نقد و نظر. شماره اول، زمستان ۱۳۷۳.

